

همبستگی مردم جهان با مقاومت خلق فلسطین و افشای چهره جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم

دولت صهیونیست اسرائیل با همکاری مستقیم امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی دیگر امپریالیست‌های غربی همچنان مشغول پیشبرد جنایتی وحشیانه و بسیار فجیع علیه مردان و زنان و کودکان فلسطینی در منطقه نوار غزه می‌باشد. ارتش این دولت با چنان سبعتی به کشتار مردم غیرنظامی و بی‌دفاع فلسطینی مشغول است که شرح هر گوشه از این جنایات فاجعه‌بار _ از بمباران خانه و کاشانه مردم و مدفون کردن کودک و بزرگسال در زیر آواری از سنگ و خاک گرفته تا بمباران مدارس و بیمارستان‌ها و به قتل رساندن کودکان، تا پرتاب موشک به آمبولانس‌ها، تا ارتکاب به جنایتی که "مجازات دسته جمعی" فلسطینی‌های ساکن غزه نام گرفته و معنی آن در عمل یعنی جلوگیری از دستیابی به آب و مواد غذایی و هر آنچه برای معیشت و ادامه زندگی ضروری است و حتی محروم کردن بیماران در بیمارستان‌ها از دسترسی به دارو و ملزومات ضروری و همچنین شرارت‌ها و وحشیگری‌های دیگر و از جمله استفاده از گاز فسفر در جنگ علیه مردم _ بیانگر ارتکاب دولت نژادپرست اسرائیل به جنایتی می‌باشد که در قوانین بین‌المللی و در عرف مردم جهان به مثابه جنایت جنگی شمرده می‌شود.

با این که دولت اسرائیل در طی ۷۵ سال به مثابه یک دولت اشغالگر بارها و بارها با ارتکاب به وحشیانه‌ترین اعمال، مردم فلسطین را از خانه و کاشانه خود بیرون رانده و سرزمین آنها را به اشغال خود در آورده است، اما دست یازیدن صهیونیست‌ها به یک نسل‌کشی فجیع از مردم فلسطین که امروز در مقابل چشمان مردم جهان صورت می‌گیرد، از چنان ابعاد جنایتکارانه‌ای برخوردار است که پیش از این در این شدت و وسعت سابقه نداشت.

امروز دولت اسرائیل با همکاری و حمایت امپریالیسم آمریکا که تسلیحات و بودجه لازم برای قتل عام فلسطینی‌های ساکن غزه را در اختیارش قرار داده و می‌دهد، در صدد اشغال کامل نوار غزه برآمده است. جاری کردن دریائی از خون در غزه، به جا گذاشتن تلنباری از اجساد له شده و هزاران کودک و زن و مرد در زیر آوار مانده از بمباران‌های پی‌درپی، کودکان لت و پار شده و کودکان جان به در برده از میان دهشت و وحشت با تن‌های زخمی و لرزان، کودکانی که هنوز زندگی را تجربه نکرده دچار شوک شدن از دیدن صحنه‌های دهشتناک قتل و جنایت را تجربه می‌کنند و ... آفریدن صحنه‌های بسیار دلخراش و دردناک دیگر از جمله اعمال وحشیانه‌ای است که توسط ارتش اسرائیل جهت خالی کردن سکنه فلسطینی از غزه و تصرف کامل این سرزمین صورت گرفته و می‌گیرد. به راستی که این ارتش در ارتکاب به جنایت روی لشکریان جنایتکار هیتلر را سفید کرده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها مجموعه بمب‌هائی که ارتش اسرائیل در جریان جنگ خود با فلسطینی‌های ساکن غزه بر سر آنها فرود آورده است به لحاظ ویران‌گری و به جای گذاشتن یک زمین سوخته در غزه تقریباً برابر با دو بمب اتمی است که آمریکا در سال ۱۹۴۵ در دو شهر ژاپن (هیروشیما و ناگاساکی) به کار برد. اکنون، رقم کشته شدگان فلسطینی توسط ارتش جنایتکار اسرائیل از مرز دوازده هزار نفر گذشته است که حدود پنج هزار نفر از آنها کودک می‌باشند. با مشاهده سبعت این

ارتش ضد خلقی، مردم آزادیخواه جهان و همه آنهایی که انسانیت در وجودشان زنده است امروز در چهره دولت اسرائیل و همکاریش امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌های غرب که با وقاحت تمام بر تداوم جنگ علیه مردم غزه پا فشرده و در رسانه‌های خود با قلب حقایق آشکار دروغ تحویل مردم می‌دهند، جز چهره‌ای به غایت ارتجاعی و وحشی با دستانی آغشته به خون نمی‌بینند و خشم و نفرت خود را نثار آنها می‌کنند.

اما به راستی اشغال غزه از چه اهمیتی برای دولت صهیونیست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا برخوردار است که حتی به قیمت برملا شدن هرچه آشکارتر چهره خونبار خود، دست به جنایاتی فاجعه آمیز در ابعادی که مردم هشیار جهان را علیه خود برانگیخته، زده است؟ بر کسی پوشیده نیست که یکی از دلایل مهم دست یازیدن امپریالیسم آمریکا و شرکاء به جنگ چه به طور مستقیم و چه توسط سگ‌های زنجیریشان نظیر دولت اسرائیل، به‌طور کلی رونق دادن به صنایع نظامی خود در جهت رفع بحران‌های اقتصادی گریبان‌گیر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم می‌باشد. اما آیا این تنها دلیل تحمیل جنگ در ابعاد توصیف شده به مردم غزه می‌باشد؟ در رابطه با جنگ ارتجاعی اخیر به این نکته هم باید توجه داشت که در نوار غزه ذخایز عظیم گاز وجود دارد. این ذخایز اگر چه حدوداً ۲۴ سال پیش کشف شده است ولی با توجه به مناقشات موجود در این منطقه، دولت اسرائیل امکان دستیابی به این ذخایز را به طور مستقیم نداشته است و این منابع تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این امر که اسرائیل با اقدام به کشتار و کوچاندن فلسطینی‌ها از نوار غزه در صدد اشغال کامل این منطقه و ایجاد منطقه‌ای امن برای بهره‌برداری از منابع دست نخورده گاز و دیگر منابع و ثروت‌های موجود در نوار غزه می‌باشد یکی از دلایل احتمالی دست زدن این دولت به "پاک‌سازی قومی" و اشغال سرزمین فلسطینی‌ها در این بخش می‌باشد که البته هر چه بیشتر آینده می‌تواند صحت و سقم این احتمال را آشکار سازد. اما صرفنظر از این که دولت اسرائیل و امپریالیسم آمریکا چه منافع مادی از جنگ علیه توده‌های فلسطینی ساکن غزه تعقیب می‌کنند واقعیت غیرقابل انکار این است که برای دولت اسرائیل حمله محکوم دار و دسته وابسته و مرتجع حماس به شهروندان اسرائیلی تنها یک بهانه برای اجرای برنامه خود در مورد اشغال کامل غزه بوده است.

همه می‌دانند که اسرائیل کشتارهای وحشیانه توده فلسطینی ساکن در نوار غزه را با عملکرد جنایتکارانه حماس علیه شهروندان اسرائیلی در ۷ اکتبر توجیه می‌کند و نسل‌کشی مردم فلسطین را "دفاع از خود" در مقابل حماس می‌نامد. اما واقعیت این است که حماس به مثابه یک نیروی بنیادگرای اسلامی، دست ساز خود دولت اسرائیل می‌باشد. خود مقامات اسرائیلی بارها به این امر اعتراف کرده و دلیل آن را مقابله با نیروهای چپ و سکولار ملی در میان مردم فلسطین توسط حماس ذکر کرده‌اند. در واقعیت امر نیز هم دولت اسرائیل و هم حماس و هم جمهوری اسلامی که تحت عنوان دروغین پشتیبانی از مردم "مظلوم" فلسطین، حماس را از لحاظ مالی و نظامی تقویت کرده است، هر سه، آبخورشان امپریالیسم آمریکا می‌باشد. این واقعیت جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که نه جمهوری اسلامی و نه حماس و نه اسرائیل هیچ وقت بدون خواست و اطلاع آمریکا و مهمتر، خلاف منافع این امپریالیسم وارد عمل نمی‌شوند. بنابراین امروز اگر می‌بینیم که حمله ۷ اکتبر حماس بهترین بهانه را برای دولت و ارتش اسرائیل جهت توجیه حملات خود به نوار غزه فراهم نموده

است باید روی این عمکرد حماس تعمق نمود و به راحتی از آن نگذشت. در ارتباط با این امر، به طور معمول، افشای توطئه‌های امپریالیستی توسط نیروهای هشیار و مترقی و انقلابی جهان با عنوان "تئوری توطئه" معرفی می‌شود. اگر از رسانه‌های امپریالیستی بگذریم، افرادی هستند که از روی ناآگاهی و یا نادانی ناشی از داشتن موضع بینابینی بین انقلاب و ضد انقلاب، این سخن که اسرائیل پیشاپیش از حمله ۷ اکتبر حماس اطلاع داشت ولی از آنجا که نقشه و سیاست خاصی را در "پاک‌سازی قومی" در غزه دنبال می‌کرد و برای این منظور نیازمند بهانه‌ای بود و به همین دلیل مانع از آن حمله نشد را "تئوری توطئه" می‌نامند. اما همین‌ها قادر نیستند به این سئوالات پاسخ دهند که در حالی که نیروی امنیتی اسرائیل آنقدر قوی است که توانسته بود تعدادی از متخصصان اتمی جمهوری اسلامی را در داخل خاک ایران به قتل رسانده و مدعی شود که به پرونده‌های اتمی این رژیم هم دست یافته است، همان نیروی امنیتی که توانست از طریق جاسوس خود، کاترین پرز شکدم، ۱۰۰ مقام برجسته جمهوری اسلامی را به دام بیندازد و... پس چرا این‌بار تحرکات حماس برای حمله به اسرائیل را در دو قدمی خود تشخیص نداد؟ در این مورد باید توجه داشت که مطابق گزارش مطبوعات، سطح تجهیزات الکترونیکی تجسوسی و جاسوسی به کار رفته در مرز غزه یعنی در دیوار حائل با مواضع اسرائیل آنقدر پیشرفته است که ادعا می‌شد حتی پرواز یک "پرنده" بر روی این دیوار و یا نزدیک شدن یک "سوسک" به پای دیوار نیز قابل رهگیری می‌باشد. بنابراین یورش بی سابقه حماس به این نواحی که خود مستلزم یک کار تدارکاتی بسیار وسیع و طولانی مدت بوده است. اگر در تضاد با خواست و منافع صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل بود هرگز به وقوع نمی‌پیوست. از طرف دیگر مقامات دولت مصر افشاء کردند که پیشاپیش تحرکات حماس و امکان حمله آن به اسرائیل را به دولت اسرائیل اطلاع داده بودند. پس به چه دلیل مقامات امنیتی اسرائیل این گزارش رسمی دولت مصر را از یک گوش شنیده و از گوش دیگر رد کردند؟ آیا این واقعیات با پناه بردن به "تئوری توطئه" قابل توجیه و کتمان می‌باشد!؟

اما صرفنظر از این که هر کس و هر نیروئی چه تحلیلی از چرائی اقدامات جنگی اخیر صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل داشته باشد، برپائی تظاهرات گسترده در اقصی نقاط جهان و به خصوص در آمریکا و کشورهای اروپائی علیه آمریکا و اسرائیل و دولت‌های امپریالیستی مخالف آتش‌بس، بر همگان آشکار ساخت که مردم جهان بسیار هوشیارتر و آگاه‌تر از آنند که در تصور بسیاری از مقامات دولت‌های مرتجع می‌گنجید. این مقامات در آمریکا و کشورهای اروپائی انتظار اینهمه مخالفت از جانب مردم تحت سلطه خود را نداشتند. در شهرهای مختلف آمریکا از شیکاگو و نیویورک گرفته تا واشنگتن در مخالفت با نسل‌کشی در غزه تظاهرات‌های گسترده‌ای برپا شد. در واشنگتن مردم معترض آزادیخواه با خواست آتش‌بس حتی صحن کنگره آمریکا را اشغال کردند. دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز هاروارد صحنه‌های پرشکوهی از همدردی خود با توده فلسطینی در غزه به نمایش گذاشته و خشم و نفرت خود از امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم را فریاد زدند. در شهرهای مختلف اروپا مردم هشیار و آزادیخواه با برپائی تظاهرات چند صد هزار نفری (تخمین زده شده است که در دومین تظاهرات بزرگ لندن نزدیک به یک میلیون نفر شرکت کردند) ضمن محکوم کردن نسل‌کشی دولت اسرائیل و حمایت از خلق فلسطین، خواستار آتش‌بس و پایان دادن به نابودی ("پاک‌سازی قومی")

فلسطینی‌ها شدند. مردم شجاع و آگاه فرانسه در شرایطی که پلیس با دست زدن به خشونت مانع از برپائی تظاهرات گسترده از جمله در پاریس علیه دولت اسرائیل و در حمایت از توده‌های فلسطینی در غزه گردید به درگیری با آنها پرداخته و پلیس و دولت فرانسه را همدست قاتلین مردم فلسطین خواندند. در افشای تبلیغات دروغین رسانه‌های ارتجاعی که سعی دارند یهودی بودن را همسان با صهیونیست بودن جا بزنند، در آمریکا و در برخی از شهرهای اروپا از جمله در لندن و برلین مردم آزادیخواه یهود با برپائی تظاهرات و با سخنرانی‌های خود نفرت خویش از دولت صهیونیستی کودک‌کش اسرائیل را نشان داده و فریاد زدند که جنایات خود را به نام ما (یهودی‌ها) انجام ندهید. این معترضین با حمل پلاکارد و طی سخنرانی‌های آگاه‌گرانه، اشغال ۷۵ ساله فلسطین توسط صهیونیست‌های اسرائیل را نیز محکوم می‌کنند.

برپا شدن تظاهرات پرشور مردمی در اقصی نقاط جهان و متن پلاکاردها و شعارهای سر داده شده در آنها و اعمال مبارزاتی دیگر و از جمله اعتراض و افشاگری‌های ستایش آمیز پزشکان و دیگر کارکنان درمان در غزه بیانگر زنده بودن انسانیت و خشم و نفرت عمومی از اعمال شدیداً غیر انسانی دولت و ارتش اسرائیل می‌باشد. همچنین این عملکردها از یک طرف رشد آگاهی انقلابی مردم اروپا و آمریکا نسبت به عملکرد و ماهیت حاکمین امپریالیست را آشکار ساخت و از طرف دیگر نشان داد که مردم هشیار و آگاه این کشورها تا چه حد با دولت‌های امپریالیستی غرب مخالف بوده و با آنها زاویه دارند، با حاکمین امپریالیستی که علیرغم ارتکاب نتانیاهو و دیگر سران اسرائیل به جنایات جنگی، حاضر به آتش‌بس در غزه نبوده و حتی با چنین خواستی در شورای امنیت به مخالفت برخاستند. اعتراض نسبت به حاکمین وقت از طرف توده‌های آگاه آمریکا و اروپا در جریان حمایت آنان از مردم فلسطین البته تنها به برپائی تظاهرات محدود نبود بلکه در اشکال مختلف دیگر خود را آشکار می‌سازد. کار به جایی رسیده است که معترضین به سیاست جنگ طلبانه مقامات دولت‌های امپریالیستی هر جا که امکان می‌یابند این مقامات را به چالش کشیده و با فریادهای خشم‌آلود خود آنها را مورد تعرض قرار می‌دهند. حالا دیگر سیاستمداران دولت‌های امپریالیستی در هواپیما و رستوران نیز از دست معترضین نمی‌توانند آسوده باشند.

باید توجه داشت که آنچه توده‌های آگاه و هشیار اروپا و آمریکا در رابطه با جنگ دولت اسرائیل با مردم فلسطین در غزه از خود نشان می‌دهند به واقع تبلور رشد آگاهی و خشم و نفرت آنها از حاکمین وقت در طول زمان می‌باشد که حال این‌گونه خود را آشکار می‌سازد. این امر به نوبه خود تجربه گرانبھائی است. زمانی لنین خود را مجبور می‌دید تا به مردم غرب توضیح دهد که دولت‌های بورژوائی حتی در دموکراتیک‌ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز دشمن کارگران و زحمتکش‌شان جامعه می‌باشند. اما امروز سیستم سرمایه‌داری جهانی در چنان شرایط ورشکستگی قرار گرفته است که این مردم، خود دست حاکمین را خوانده اند، چرا که گردانندگان این سیستم امپریالیستی به سختی قادر به پوشاندن چهره جنایتکار و خونبار خود می‌باشند.

شدت فشار افکار عمومی همانطور که شاهد هستیم اکنون برخی از سیاستمداران را وادار کرده است تا حداقل در حرف هم که شده اندکی موضع قبلی خود را تعدیل نمایند. در همان حال اکنون دیگر

صداهاى مخالف بيشتري از جانب آنان نسبت به كودك‌كشى و نابودسازى مردم غزه و طرفدارى از آتش‌بس شنیده مى‌شود. در اين ميان آنچه مهم است مورد تأكيد قرار گيرد اين است كه بيدارى و رشد آگاهى در ميان توده‌هاى مردم در سطح جهان در حدى كه امروز شاهدپم باقى نخواهد ماند. آنها با آمدن به صحنه مبارزه و تداوم مبارزات خود، خويشتن و شرايط حاكم را نيز تغيير مى‌دهند. مبارزات توده اى وسيع و راديكال مردم در سراسر دنيا در دفاع از آزادى فلسطين و محكوميت امپرياليسم و صهيونيسم ميدانى براى تمرين نبردهاى سرنوشت‌ساز آتى عليه نظام سرمايه‌دارى و امپرياليسم‌هاست. از اين رو، شكى نبايد داشت كه رشد آگاهى در ميان توده‌ها نسبت به ماهيت دولت‌هاى حاكم و نسبت به توانائى خود در تغيير شرايط نامطلوب و ظالمانه موجود باعث گسترش و شدت‌يابى اعمال انقلابى جهت ساختن دنياى آزاد مطلوب خواهد بود. غير واقعى نيست اگر گفته شود كه جهان پس از نسل‌كشى كنونى دولت اسرئيل، دنياى ديگرى خواهد بود، دنياى كه مبارزه طبقاتى در آن با شدت هرچه بيشتري جريان خواهد يافت و جاى ترديد نيست كه فاتح و پيرومند اين جنگ طبقاتى هم اكثريت مردم تحت ستم جهان خواهند بود.

مرگ بر امپرياليسم و صهيونيسم

پيروز باد مقاومت خلق فلسطين

اشرف دهقانى

۲۸آبان ۱۴۰۲ برابر با ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳